

۵ نکته‌ای که باید در مورد پدر و مادر بودن بدانید

تد تریپ

دو من به تازگی جدّ اعلیٰ خانواده شده‌ام و پذیرای دو نتیجه‌دختر و یک نتیجه‌پسر در جمع خانواده‌مان بوده‌ایم. در اینجا، برخی از دیدگاه‌های کتاب مقدّس درباره‌ی تربیت فرزندان را که به نوه‌هایم و همسرانشان منتقل می‌کنم، آورده‌ام.

۱. پدر و مادر بودن، دعوت مهمی است که خدا به شما بخشیده است.

مزمور ۷۸ در ذهنم تداعی می‌شود:

زیرا که شهادتی در یعقوب برپا داشت،
و شریعتی در اسرائیل قرار داد،
و پدران ما را امر فرمود،
که آن‌ها را به فرزندان خود تعلیم دهند؛
تا نسل آینده آن‌ها را بدانند،
و فرزندانی که می‌بایست مولود شوند،
تا ایشان برخیزند و آن‌ها را به فرزندان خود بیان نمایند؛
و ایشان به خدا توکل نمایند،
و اعمال خدا را فراموش نکنند،
بلکه احکام او را نگاه دارند.

چه چیزی می‌تواند مهم‌تر از انتقال حقیقت درباره‌ی خدا به نسل آینده باشد؟ چه میراثی می‌تواند مهم‌تر از این باشد که نسل به نسل، امیدشان را بر خدا بگذارند؟ شما در زندگی خود با فرصت‌های چالش‌برانگیز بسیاری روبه‌رو خواهید شد، اما تعداد کمی از آن‌ها به اندازه‌ی تربیت فرزندان «در تأدیب و نصیحت خداوند» (افسسیان ۶: ۴)، تأثیرگذار خواهند بود.

۲. یادگیری زندگی تحت اقتدار، یک اصل بنیادین است.

در افسسیان ۶: ۱-۳، خداوند خطاب به فرزندان می‌گوید: «ای فرزندان والدین خود را در خداوند اطاعت نمایید، زیرا که این انصاف است. پدر و مادر خود را احترام نما که این حکم اوّل با وعده است. تا تو را عافیت باشد و عمر دراز بر زمین کنی.» خدا دایره‌ای کشیده است که فرزندان باید در آن زندگی کنند. مرز این دایره، احترام و اطاعت از پدر و مادر است. خدا وعده‌ی برکات

فوق‌العاده‌ای را به فرزندی که در این دایره زندگی می‌کند، داده است: امورشان خوب پیش خواهد رفت و از عمر طولانی برخوردار خواهند شد.

این‌ها برکاتی هستند که هر فرزند و پدر و مادری آرزویش را دارد. احترام و اطاعت، عمیق‌تر از انجام دادن صرف آن چیزی است که گفته شده است. این یک تعهد ایمانی به اعتماد و اطاعت از خداست. با آموزش فرزندان خود برای زندگی تحت اقتدار، این حقیقت بنیادین را به آن‌ها نشان می‌دهید که تسلیم در برابر اقتدار خدا، راه رسیدن به برکت است.

۳. قلب، سرچشمه‌ی حیات است.

دل خود را به حفظ تمام نگاه‌دار،

زیرا که مخرج‌های حیات از آن است. (امثال ۴: ۲۳)

حیات از قلب جاری می‌شود. مشکل ما انسان‌ها تنها به اعمالی که مرتکب می‌شویم، محدود نمی‌شود، بلکه گناهی است که در پس آن اعمال نهفته است. غرور، خودمحوری بی‌حد و حصر، دوست داشتن نفس، حسادت و دیگر نگرش‌های گناه‌آلود قلبی هستند، که رفتارهای ما را شکل می‌دهند. پدر و مادر به راحتی می‌توانند بر رفتار تمرکز کرده و از توجه به قلب غافل شوند.

عیسی به ما یادآوری می‌کند که رفتارهایی مانند طمع، فریب، حسادت، تهمت، تکبر و غرور، همگی از قلب سرچشمه می‌گیرند (به مرقس ۷: ۲۲-۲۳ مراجعه کنید). بخش عمده‌ای از وظیفه‌ی پدر و مادر، این است که فرزندان را در شناسایی دلایل قلبی رفتارهای گناه‌آلودشان هدایت کنند. البته، درک نگرش‌های قلبی خودتان که در پس گناهانتان نهفته است، به شما کمک می‌کند تا بتوانید سؤالات مناسبی از فرزندانتان بپرسید و به آن‌ها در شناخت قلبشان یاری برسانید.

۴. انجیل را در مرکز توجه قرار دهید.

اساس ایمان ما بر این نیست که چگونه می‌توانیم شایستگی لازم برای حیات ابدی را کسب کنیم. بلکه اساس ایمان ما کسی است که شایستگی کامل داشت. عیسی جسم پوشید تا نجات‌دهنده ما باشد. او بدون گناه زندگی کرد، همان زندگی‌ای که ما قادر به زیستن آن نبودیم، تا عدالت به ما تعلق گیرد. او مرگی را متحمل شد که ما قادر به تحمل آن نبودیم؛ او بر صلیب جان خود را فدا کرد تا گناه و محکومیت را از ما بردارد. او برای عادل‌شمردگی ما زنده شد. و حتی اکنون نیز در دست راست پدر، برای ما دعا می‌کند.

این امید به فیض، بخشش گناهان، نجات و آزادی، حقیقتی است که فرزندان ما (و البته خود ما) همواره به آن نیاز دارند. هنگامی که فرزندان خود را تأدیب و تربیت می‌کنید، همواره امید انجیل را پیش روی آنان قرار دهید. ما زمانی که به فرزندان خود می‌گوییم که می‌توانند با تکیه بر قدرت خود، خوب باشند، در واقع انجیل را انکار کرده‌ایم. عبرانیان ۲: ۱۷ ما را تشویق می‌کند و می‌گوید عیسی، که به عنوان یک انسان در وسوسه‌ها رنج کشید، می‌تواند در زمان وسوسه‌ها به ما نیز یاری رساند.

۵. الگویی که شما به نمایش می‌گذارید، بسیار قدرت‌مند است.

تثنیه ۶: ۵ این حقیقت را بیان می‌کند: «پس یهوه خدای خود را به تمامی جان و تمامی قوت خود محبت نما.» محبت شما به خدا، شادی شما در او و قدردانی و رضایت شما از تمام آنچه که خدا در مسیح برای شماست، حقایق مهمی هستند که باید برای فرزندانان الگو باشید. آیات بعدی، اهمیت این الگوبرداری را نشان می‌دهند: «و این سخنانی که من امروز تو را امر می‌فرمایم، بر دل تو باشد. و آن‌ها را به پسرانت به دقت تعلیم نما و حین نشستنت در خانه و رفتنت به راه، و وقت خوابیدن و برخاستنت از آن‌ها گفتگو نما.» (تثنیه ۶: ۶-۷)

هر روز که در کنار فرزندانان زندگی می‌کنید، در حال ارائه الگویی از حقیقت و واقعیت به آن‌ها هستید. شما به آن‌ها نشان می‌دهید که ایمان دارید خدا نیکوست و به کسانی که او را می‌جویند، پاداش می‌دهد. با محبت به خدا و دیگران، این حقیقت را که شریعت خدا نیکو است، به آن‌ها نشان می‌دهید. با اولویت دادن به پرستش، به آن‌ها می‌گویید که زندگی حقیقی تنها در خدا یافت می‌شود. هنگامی که با افرادی که با شما نامهربان هستند، با مهربانی رفتار می‌کنید، در واقع، بزرگواری، محبت، و رحمت خدا را به نمایش می‌گذارید. هر کاری که انجام می‌دهید، روایتگر حقیقتی برای فرزندانان است.

تسلیم شدن شما به خدا در همه‌ی امور، صداقت شما درباره‌ی تمایلات قلبیتان به گناه، و امیدواری شما به فیض نجات‌بخش انجیل، همه‌ی این‌ها روایتگر حقیقتی برای فرزندانان است. تربیت فرزندان برای خدا، از بزرگ‌ترین و ارزشمندترین کارهایی است که در زندگی خود انجام خواهید داد.

این مقاله بخشی از مجموعه‌ی ۵ نکته‌ای که شما باید بدانید است.

این مقاله در وبسایت لیگونیر منتشر شده است.

دکتر تد تریپ، کشیش بازنشسته‌ی کلیسای گریس فلوشیپ در هزلتون، پنسیلوانیا و رئیس سازمان Shepherding the Heart Ministries است. او نویسنده‌ی کتاب «شبانی قلب کودک» است.